

بازخوانی یک گواهی

در انجام مراسم حج در سنه ۱۲۳۱

حج یکی از فروع دین اسلام است. خجہ الاسلام بر هر مسلمانی در تمام عمر یک مرتبه واجب می‌شود و نباید آن را از سالی که مستطیع شده به تأخیر بیندازد. انجام حج با چهار شرط بر انسان واجب می‌گردد، عاقل، بالغ، آزاد و مستطیع باشد. بر اساس رسایل عملیه مستطیع بودن فرد به واسطه چهار شرط حاصل می‌گردد:

اول: آنکه توشه راه و مرکب سواری یا پولی که بتوان آنها را تهیه کرد داشته باشد.

دوم: توانایی جسمی داشته باشد و بتواند اعمال حج را بجا آورد.

سوم: در راه مانعی جهت رفتن به حج نباشد.

چهارم: به اندازه بجا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد.

در گذشته در بسیاری موارد افراد مستطیع یا به دلیل فوت یا عدم توانایی

جسمی از انجام مناسک باز می‌ماندند و جهت انجام این عمل واجب خود در

زمان حیات خویش یا اطرافیان وی بعد از وفاتش فردی را با پرداخت هزینه‌های

مربوطه به عنوان نایب به مراسم حج می‌فرستند. در گذشته بر اثر زمان طولانی رفت و

آمدهای حج، مخاطرات مسیر، بیماری، مشکلات امنیتی و... بسیاری از افرادی که عهده‌دار

انجام مراسم حج به نیابت از افراد دیگر بودند نیز در طول مسیر وفات می‌نمودند و موفق

به بازگشت به وطن خود نمی‌شدند در چنین شرایطی جهت اطلاع به موکل خود اقدام به

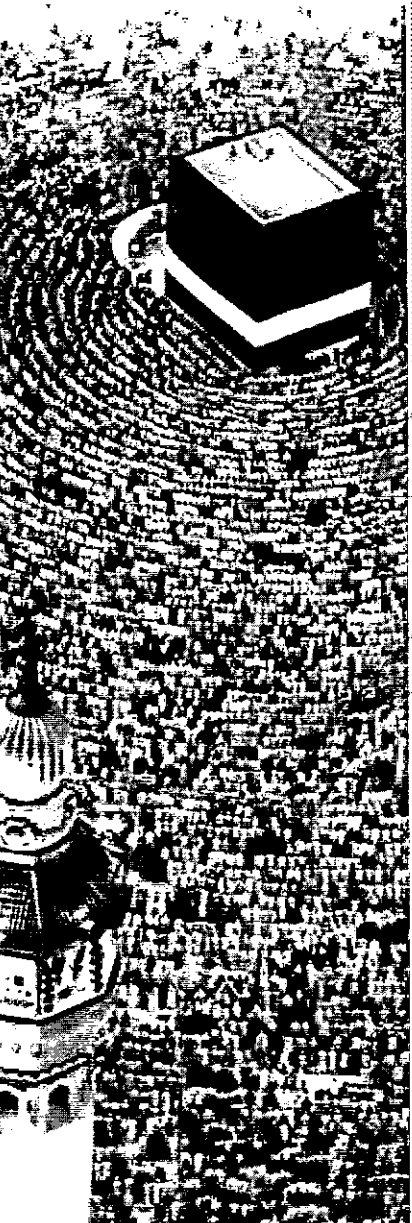
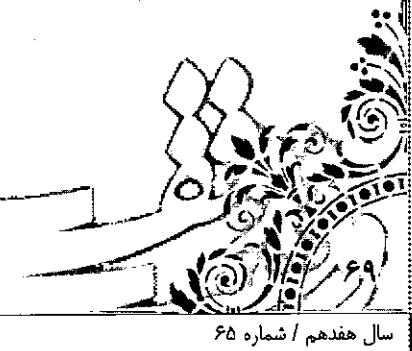
تنظیم گواهی انجام مراسم حج در حضور دوستان و افراد کاروان می‌نمود و با شرحی مختصر

از مراسم انجام شده و گواهی بزرگان کاروان و ضرب امهار و ارسال آن برای موکل خود، وی

را از انجام مراسم حج مطلع می‌کرده است. آنچه در پی می‌آید بازخوانی یک استشهاد و

گواهی انجام مراسم حج است که به نیابت از یک متوفا در سنه ۱۲۳۱ هـ. ق به حج

رفته است.

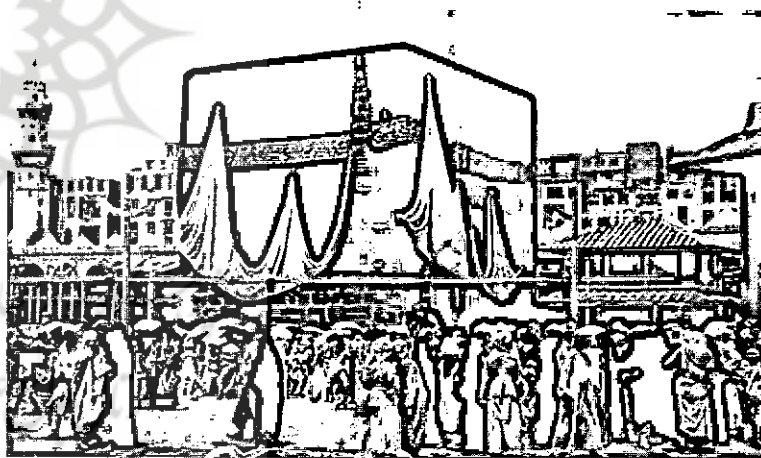
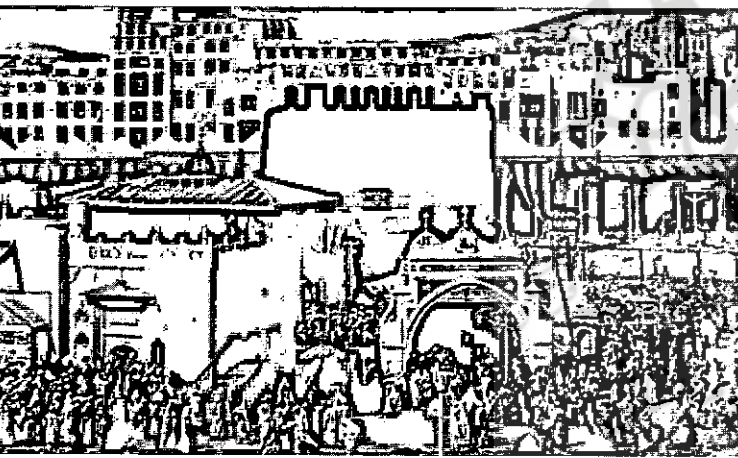


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»^۱

الحمد لله اهل الفضل والنعم و صاحب الجود و الكرم و رب البيت و الحرم و رب الركن و المقام و زمزم و صلى الله على محمد و آله و شرف و كرم و عظم.

بعد باعث بر تحریر این کلمات واضحہ الدلالات اینکہ داعی المؤمنین کھف الحاج و المعترین عالی حضرت پسندیده فطرت حاجی محمد علی ولد مرحوم ملا ابراہیم بہ نیابت مرحوم آقا محمد بیگ چادگانی^۱ وارد میقات^۲ و بعد از نزع محیط و پوشیدن دو^۳ جامهٔ احرامی و ادای نماز احرام بہ عمرہ اسلام بجا آورده و تلبیات اربعہ^۴ لعقد هذا الاحرام گفته و روانهٔ مکہ معظمہ شدہ و عند مشاہدہ بیوت مکہ قطع تلبیہ و جوبا کردہ و بعد از غسل از باب السلام داخل مسجد الحرام شدہ و از طاق بنی شیبہ عبور نمودہ و ہفت شوط طواف کعبہ معظمہ کردہ و دو رکعت نماز طواف خلف مقام ابراہیم بہ جا آورده و استلام حجر^۵ نمودہ و از باب الصفا بہ صفا رفتہ و ہفت شوط^۶ عمرہ سلام عمرہ تمتع میانہ صفا و مروہ^۷ بجا آورده و ابتدا بہ صفا و ختم بہ مروہ نمودہ و ہرولہ^۸ میانہ دو منار کردہ و تقصیر^۹ بہ نیابت احلال بر مروہ نمودہ احتیاطاً طواف النساء و مع رکعتین در عمرہ تمتع بجا آورده و در زیر میز ابلرحمہ بہ حج الاسلام و حج تمتع محرم گردیدہ و بہ تلبیات اربعہ لعقد هذا الاحرام گفته و روانهٔ عرفات شدہ و بعد از تحقق زوال شمس یوم عرفہ، قطع تلبیات کردہ زوال شمس یوم عرفہ در مسیر جبل عرفات وقوف یافتہ و روانۂ مشعر الحرام شدہ و بیتوتہ نمودہ و سنگریزہ بر چیدہ و از طلوع صبح روز عید در مشعر الحرام وقوف یافتہ و روانۂ منی شدہ^{۱۱} و در وادی محسر^{۱۲} ہرولہ نمودہ وارد منی شدہ ہدی [...] بستہ و بعد از رمی



جمرہ^{۱۳} عقبہ ذبح^{۱۴} ہدی نمودہ و سہ حصہ کردہ، حصہ خود تناول نمودہ و حصہ بقائع و تصدق کردہ و حصہ بہ بعض المؤمنین اہدی نمودہ و بعد از آن سر تراشیدہ و روانہ مکہ معظمہ شدہ و طواف الزیارہ مع رکعتاہ و سعی میانہ صفا و مروہ و طواف النساء و رکعتاہ، ہمہ این اعمال در حج تمتع بجا آورده و معاودہ نمودہ بہ منی و در ایام التشریق^{۱۵} در ارض منی بیتوتہ نمودہ و در ایام التشریق رمی جمرہ الثلث بہ سبع میقات حریمات مشعریات کردہ و مراجعت مکہ نمودہ و در اماکن مشرفہ و مواضع متبرکہ از حضرت متعالیہ طلب مغفرت و رحمت از برای منسوب عنہ خود نمودہ و کان الوقوف تامعہ ذیحجۃ الحرام و ایضاً مدینہ طیبہ پیغمبر خدا و ائمہ ہدی و فاطمہ زہرا و حمزہ و سایر شہدا را از برای منسوب عنہ زیارت نمودم، سنہ ۱۲۳۱.

امہار و حواشی

تقبل الله تعالى من الناس والمنسوب عنه شاهده في جميع المواقف والمشاعر حرره اقل حاج محمد تقی
خلف مرحوم آقا فتح الله مهر
تقبل الله تعالى من الناس والمنسوب عنه شاهده في جميع المواقف والمشاعر حرره اقل الخليفه محمد باقر
الموسوي مهر محمد باقر بن محمد تقی الموسوي

پی‌نوشت‌ها

* اصل این گواهی در اختیار آقای سیدرضا نوحی چادگانی ساکن شهر اصفهان است. نگارنده از اینکه جهت در اختیار نهادن آن سپاس گزار است

۱. سوره آل عمران آیه ۹۷ و برای خداست بر مردم که هر کس استطاعت دارد حج خانه خدا را بجا آورد و هر کس کافر شود پس همانا خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

۲. شهر چادگان مرکز شهرستانی به همین نام در غرب استان اصفهان است. شهر چادگان در ساحل دریاچه زاینده‌رود در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شمال غربی شهر اصفهان و ۲۵ کیلومتری شهر داران- مرکز شهرستان فریدن- واقع شده است.

۳. میقات، محل احرام میقات نام دارد و هر کس از میقاتی عبور کند باید از آن میقات احرام ببندد.

۴. دو جامه احرامی، پوشیدن دو لباس احرام یکی را مانند لنگ به خود می‌بندند و دیگری را بر دوش می‌اندازند و پوشیدن این دو لباس بر مردها و زنها واجب است و باید لباس احرام پاک بوده، از حریر و پوست حیوان حرام گوشت نباشد و نیز به اندازه‌های نازک نباشد که بدن انسان از زیر آن نمایان شود.

۵. تلبیبات اربعه، یکی از واجبات احرام، گفتن تلبیبات اربع است که چنین است:

لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ،

۶. استلام حجر: دست کشیدن بر سنگ حجرالاسود، لمس کردن یا بوسیدن حجرالاسود.

۷. هفت شوط، سعی بین صفا و مروه است که باید هفت مرتبه مسافت بین صفا و مروه را طی کند ابتدای سعی از صفا و پایان آن در مروه است، رفتن از صفا به مروه یک «شوط» و برگشتن آن به صفا یک شوط دیگر حساب می‌شود.

۸. صفا و مروه- «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا» (سوره بقره آیه ۱۵۸)

در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست، پس هر که خانه خدا را حج کند یا عمره گذارد بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد و هر که افزون بر فریضه، کار نیکی کند خدا حق شناس و داناست. صفا در لغت به معنی سنگ سخت صافی است که بر آن گیاه نروید. قسمتی از کوه ابوقبیس که فعلاً تپه کم‌ارتفاعی است و مبدأ سعی حجاج می‌باشد به نام صفا نامیده شده است.

مروه در لغت، سنگ سفید کم‌قطر است که چون دو قطعه آن را برهم‌زنند از آن آتش بیرون جهد و همچنین بر سنگ سختی که می‌توان آن را به جای کارد برای سر بریدن حیوانات به کار برد اطلاق می‌شود. میان صفا و مروه ۴۲۰ متر فاصله است.

۹. هروله، رفتاری میان دویدن و رفتن.

۱۰. تقصیر کردن: یعنی مقداری از موی سر یا صورت و یا ناخن را بگیرد و چنین نیت کند که تقصیر عمره تمتع بجا می‌آورم برای اطاعت خداوند. پس از اتمام سعی باید عمل تقصیر انجام شود.

۱۱. منی: در لغت از ریشه «منیه» یا آرزوست. محدوده سرزمین منی از آخر وادی مُحَسَّر تا جمره عقبی است. گویند وقتی حضرت آدم (ع) به زمین هموط کرد در این مکان فرود آمد. از او در اینجا پرسیدند: آیا آرزویی داری؟ لذا این سرزمین به منی معروف شد از دعاهای امام صادق (ع) در منی بر می‌آید که ریشه منی از منت است زیرا خداوند بر مردم منت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد.

۱۲. وادی مُحَسَّر: محسّر مکانی است میان مزدلفه و منی که بر اساس روایات تاریخی اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه در همین نقطه به هلاکت رسیدند و چون یاران ابرهه به سبب این شکست حسرت خوردند این وادی به مُحَسَّر مشهور گشت. حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه به مُحَسَّر رسیده و سپس به منی وارد می‌شوند.

۱۳. رمی جمرات: حجاج در روزهایی که شب آن در منی بیتوته کرده‌اند یعنی روز یازدهم، دوازدهم و گاهی سیزدهم باید جمرات سه‌گانه را «رمی» کنند به این ترتیب: استوانه اول را هفت سنگ‌ریزه بزنند، سپس استوانه دوم را هفت سنگ‌ریزه و بعد استوانه عقبه را هفت سنگ‌ریزه بزنند و با پایان گرفتن این اعمال، حج تمام می‌شود.

۱۴. ذبح، بعد از رمی جمره عقبه باید گوسفند، گاو یا شتر قربانی کرد و بنابر احتیاط مستحب انسان مقداری از قربانی را خورده، ثلث آن را هدیه و ثلث دیگرش را صدقه بدهد.

۱۵. ایام التشریق، تشریق: روشن کردن، نورانی ساختن، خشک کردن گوشت، ایام التشریق ۳ روز پس از عید قربان که در آن در قدیم گوشت‌های قربانی را خشک می‌کردند.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. رسائل عملیه حضرت آیات سیستانی و شیرازی

۳. کلینی، ابن جعفر محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، اسلامیه ۱۳۶۲

۴. خزائلی، محمد، اعلام قرآن، امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۵۰

۵. حموی، یاقوت، معجم البلدان، دار بیروت ۱۴۰۸ق

۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، چاپ یازدهم ۱۳۷۶

